یادداشت

مدیریت تولید، قربانی مناسبات غیرحرفه‌ای سینمای ایران

امنیت شغلی یک صنف در سایه بی‌ضابطگی

محسن صرافی: مدیران تولید سینمای ایران، همچون بسیاری از فعالان حرفه‌ای این عرصه، سال‌هاست با شرایطی دشوار و ناپایدار دست‌وپنجه نرم می‌کنند. حذف الزام معرفی مدیر تولید از فرایند بررسی پرونده‌های متقاضی پروانه ساخت و درج نام او در پروانه‌های صادرشده، یکی از تصمیم‌هایی است که عملا جایگاه حرفه‌ای و امنیت شغلی اعضای این صنف را تضعیف کرده است. در چنین شرایطی، هیئت‌مدیره انجمن صنفی مدیران تولید سینما با جدیت و پیگیری مستمر، بازگرداندن الزام معرفی مدیر تولید مورد تأیید صنف را دنبال می‌کند؛ مطالبه‌ای بحق و حرفه‌ای که نه امتیازخواهی، بلکه دفاع از تخصص، ضابطه و حقوق اولیه اعضای یک صنف است.

در سال‌های اخیر، ورود سرمایه‌هایی که بدون شناخت کافی از مناسبات حرفه‌ای سینما وارد این عرصه شده‌اند، زمینه‌ساز گسترش بی‌ضابطگی در ساختار تولید شده است. برخی سرمایه‌گذاران به جای بهره‌گیری از نیروهای متخصص، با انتصاب افراد فاقد صلاحیت و تجربه در جایگاه‌های تخصصی، ازجمله مدیریت تولید، امنیت شغلی، روانی و اقتصادی اعضای صنف را به مخاطره انداخته‌اند. شاید از نگاه برخی مدیران، ورود این سرمایه‌ها به معنای روشن‌ماندن چراغ سینما باشد، اما پرسش اینجاست که کدام سینما، کدام فیلم، کدام فرهنگ و کدام هنر؟ صرف افزایش تعداد تولیدات، بدون توجه به کیفیت آثار و سلامت مناسبات حرفه‌ای، نمی‌تواند نشانه رونق سینما تلقی شود.

یکی از پیامدهای این وضعیت، افزایش غیرمتعارف هزینه‌های تولید است؛ هزینه‌هایی که بخشی از آن تحت تأثیر مدیریت غیرتخصصی و به‌ویژه پرداخت دستمزدهای نجومی و نامتناسب به بازیگرانی است که حضورشان در یک پروژه، الزاما تناسبی با میزان استقبال تماشاگر یا امکان بازگشت سرمایه ندارد. در این میان، عنوان مدیر تولید نیز گاه به افرادی واگذار می‌شود که نه تجربه لازم را دارند و نه شناخت کافی از مسئولیت‌های این حرفه؛ عنوانی تشریفاتی در چنین پروژه‌هایی که بعضا به پوششی برای پنهان‌کردن ضعف مدیریت، فقدان دانش تخصصی و ناتوانی در اداره پروژه تبدیل شده است.

مدیریت تولید، حرفه‌ای تخصصی و برخوردار از مسئولیت‌های جدی است. مدیر تولید در بسیاری از پروژه‌ها طرف قرارداد بخش درخور توجهی از عوامل فیلم و معتمد آنان است، تعهدات مالی و اجرائی متعددی بر عهده دارد و بخش مهمی از هزینه‌های تولید با مسئولیت، مدیریت و نظارت او تخصیص می‌یابد و هزینه می‌شود. سازماندهی عوامل، تضمین استمرار روند تولید، نظارت بر تعهدات اجرائی و در مواردی پذیرش مسئولیت در قبال اشخاص و نهادهای مرتبط با پروژه، تنها بخشی از وظایف او هستند. با این اوصاف، چگونه می‌توان انتظار داشت فردی بار چنین مسئولیت‌هایی را بر دوش بکشد، اما از ابتدایی‌ترین پشتوانه‌های صنفی و امنیت شغلی محروم باشد؟

آیا صرف آنکه مدیریت تولید به‌طور مستقیم واجد مالکیت هنری اثر نیست، می‌تواند توجیهی برای نادیده‌گرفتن جایگاه حرفه‌ای آن باشد؟ مگر ارزش یک شغل در سینما صرفا با سهم آن در وجوه هنری اثر سنجیده می‌شود؟ چگونه می‌توان پذیرفت افراد فاقد سابقه و صلاحیت، صرفا به اعتبار روابط شخصی، سفارش، دوستی یا وابستگی خانوادگی به صاحبان سرمایه، به‌عنوان مدیر تولید به عوامل یک فیلم معرفی شوند، اما اعضای باسابقه و متخصص صنف از فرصت اشتغال محروم بمانند؟ تأمین سرمایه به‌خودی‌خود نه معادل تهیه‌کنندگی حرفه‌ای است و نه مجوزی برای نادیده‌گرفتن صلاحیت تخصصی سایر مشاغل سینمایی. برای حفظ حرمت تهیه‌کنندگان حرفه‌ای و خوشنام سینمای ایران نیز باید میان تهیه‌کنندگی مسئولانه و صرف برخورداری از منابع مالی تمایز قائل شد.

این مناسبات غیرحرفه‌ای تنها به مدیران تولید آسیب نمی‌زند، بلکه امنیت شغلی تمام عوامل سینما و اعتبار ساختار تولید را تهدید می‌کند. هنگامی که رکوردشکنی، گردش سرمایه و درآمدزایی کوتاه‌مدت بر کیفیت هنری و مسئولیت فرهنگی تقدم پیدا می‌کند، سینما به عرصه آزمون و خطای افراد فاقد تجربه و شناخت تبدیل می‌شود؛ افرادی که گاه بر ویرانه‌های مناسبات حرفه‌ای، به دنبال کسب تجربه و منافع شخصی هستند. نتیجه چنین رویکردی را نه‌فقط در تضعیف حقوق صنفی، بلکه در افت کیفیت برخی آثار، سطحی‌نگری و فاصله‌گرفتن از مسئولیت فرهنگی سینما نیز می‌توان مشاهده کرد.

مدیران و متولیان کنونی سینمای ایران را مخاطبان این یادداشت می‌دانم؛ مدیرانی که یقین دارم پیش از نگارنده و بیش از او، از این مشکلات و نابسامانی‌ها آگاهی دارند. در روزگاری که دشواری‌های اقتصادی، معیشت و امنیت شغلی بسیاری از اعضای خانه سینما را تحت تأثیر قرار داده است، انتظار می‌رود با تعامل جدی‌تر با صنوف، به‌ویژه انجمن صنفی مدیران تولید، برای اصلاح این وضعیت اقدام کنند. بازگرداندن الزام معرفی مدیر تولید مورد تأیید صنف و درج نام او در پروانه ساخت، حداقل اقدامی است که می‌تواند بخشی از اعتبار حرفه‌ای و امنیت شغلی از دست رفته اعضای این صنف را احیا کند.

چراغ سینما را نمی‌توان صرفا با ورود سرمایه روشن نگه داشت. سرمایه‌ای که بدون تعهد حرفه‌ای و احترام به حقوق نیروی انسانی وارد این عرصه شود، شاید چراغ برخی سالن‌های سینما را آن‌هم در مقاطعی از سال روشن کند، اما اندک پرتویی از آن هرگز به خانه سینماگران نخواهد رسید.

دفاع از جایگاه مدیر تولید، دفاع از یک عنوان شغلی نیست؛ دفاع از تخصص، عدالت صنفی، امنیت شغلی و حق زیستن شرافتمندانه در روزگاری است که بحران اقتصادی، بیش از هر زمان دیگری، معیشت و آینده حرفه‌ای اعضای صنوف سینمایی به‌ویژه مدیران تولید را تحت تأثیر قرار داده است.



گفت‌وگو با حمید نعمت‌الله به بهانه اکران فیلم «بت»

نگران سینمای ایران هستم

بهناز شیربانی: تازه‌ترین ساخته حمید نعمت‌الله، فیلم «بت»، این روزها اکران شده است؛ اثری با نظرات مخالف و موافق بسیار. او در بخشی از گفت‌وگوی خود با «شرق»، به تجربه توقیف هشت‌ساله فیلم «قاتل و وحشی» اشاره کرد و از آسیب‌های این اتفاق به مسیر فیلم‌سازی‌اش و تأثیر آن بر ارتباط مخاطب با فیلم «بت» سخن گفت؛ فیلمی که به باور او، در صورت اکران «قاتل و وحشی» می‌توانست مواجهه ساده‌تری با مخاطب داشته باشد. نعمت‌الله همچنین از تجربه‌های نافرجامش در شبکه نمایش خانگی، ازجمله ساخت سریالی درباره فرهاد مهراد صحبت کرد.



عکس: سپهر تاکی، شرق

آقای نعمت‌الله عموما درباره فیلم‌های شما این اتفاق تکرار می‌شود که بسیاری از منتقدان و مخاطبان با فیلم‌های شما را دوست دارند یا اساسا فیلم‌ها را دوست ندارند، ولی فکر می‌کنم در مورد فیلم «بت» این ماجرا کمی پررنگ‌تر است. شما نقدها را چطور دیدید؟

بله و به نظر فضای جذابی هم هست. آرای کاملا مخالف و کاملا موافق و این‌طور هم بوده و آرایی هم بوده که یا فیلم‌ها را دوست داشتند و برخی بعدا خوششان می‌آید. بله شما درست می‌گویید.

فکر می‌کنم بعد از گذشت تقریبا دو هفته از نمایش فیلم «بت» راحت می‌توان در مورد این موضوع صحبت کرد که در کنار ستایش‌هایی که از فیلم شده، با جملاتی از این دست روبه‌رو می‌شویم که «بت» فیلم مهمی است، باید روی آن تأمل کرد و فیلم جسوری است یا حتی فیلم «بت» ضد میان‌مایگی فرهنگی است. در مقابل برخی دیگر هم نظرات کاملا مخالفی داشتند که فیلم شامل ایده‌های پراکنده‌ای است که انسجام کامل را پیدا نکرده یا شخصیت‌ها درست پرداخت نشده‌اند یا حتی به زمان طولانی فیلم هم نقد داشتند. نگاه شما به این تحلیل‌ها چیست؟

در نهایت نظری است. بلندبودن یا کوتاه‌بودن فیلم حسن یا عیب نیست. این فیلم با این مدت‌زمان اکران شده است و این مشخصات را دارد و اشاره کردید که ایده‌ها پراکندگی‌هایی دارد و این هم نظری است.

نظر مخالفی هم در این مدت بوده که توجه شما را جلب کرده باشد؟

«بت» فیلم مهمی است که هرکسی آن را می‌بیند عکس‌العملی خواهد داشت. کسی نمی‌تواند از تأثیر فیلم در امان باشد. خاطرم هست زمانی که فیلم «رگ خواب» هم اکران شده بود، گروهی که به فیلم می‌تاختند که واقعا حاکی از تأثیر فیلم بود. اعتراض می‌کردند به تأثیری که فیلم روی آنها گذاشته بود، نه رأی منتقدانه. می‌خواهم بگویم احساسات آنها تحت تأثیر قرار گرفته بود. در مقابل فیلم گارد گرفته بودند یا برعکس. الان هم همین‌طور است. «بت» هم فیلمی است که اهل تأمل، اهل نظر و اهل فکرکردن و آدم‌های باسلیقه که بازی خوب دوست دارند، فیلم خوب و فیلم‌برداری یا موسیقی خوب را می‌پسندند، می‌توانند از آن لذت ببرند. به هر حال فیلمی است که گروهی از تماشاگران از دیدن آن نه‌تنها لذت می‌برند، بلکه وارد یک‌جور گفت‌وگو می‌شوند و این تأثیر فیلم است و به نظرم این فیلم تأثیرش مهم‌ترین عامل عکس‌العمل‌هاست. اینکه خود تماشاگران را به چالش می‌کشد و عکس‌العمل‌های تماشاگر هم گویی که پاسخ احساسی به این چالش است.

بعد از تجربه توقیف هشت‌ساله «قاتل و وحشی»، فیلم «بت» از شما نمایش داده می‌شود و حتما این مدت به شما طور دیگری گذشت. بسیاری معتقدند حمید نعمت‌الله سال ۹۷-۹۸ را نمی‌توان با اکنون او مقایسه کرد. انگار سینمای او در این سال‌ها تغییر کرده است. شاید اگر «قاتل و وحشی» اکران می‌شد و فیلم را همه می‌دیدند، متوجه می‌شدند «بت» ادامه نگاه شما در «قاتل و وحشی» است و متوجه این تغییر نگاه می‌شدند. چقدر توقیف فیلم روی شما تأثیر گذاشت و نگاه شما تغییر کرده است؟

مشخصا نکته‌ای که اشاره می‌کنید درست است. اگر تماشاگر «قاتل و وحشی» را می‌دید، بخشی از مسیر ارتباط برقرارکردن با «بت» بسیار ساده‌تر شده بود و حداقل آسیب توقیف «قاتل و وحشی» همین بود. نه‌تنها به زندگی و کار من این توقیف لطمه زد، بلکه روی فیلم بعدی هم تأثیر گذاشت. اگر اکران و دیده شده بود، مردم و تماشاگران با «بت» روان‌تر ارتباط برقرار می‌کردند و به این موضوع شک ندارم. اینکه این توقیف چه تأثیری روی من گذاشته است، همه ما تغییر کرده‌ایم. روزگاری با این سرعت و این تحولات خودبه‌خود آدم‌های متفاوتی از ما نسبت به چند سال پیش ساخته است. برای بنده هم توقیف «قاتل و وحشی» پرآسیب بوده است، اما اینکه خودم آگاه باشم به اینکه روحیه یا طرز فکر یا احوالم تغییر خاصی کرده باشد، چندان متوجه آن نیستم. همان‌طور که گفتم ممکن است همه تغییر کرده باشیم و بنده هم همین‌طور.

می‌خواهم به یکی از همین تغییرات اشاره کنم. شاید آن خشونت عیانی که در «قاتل و وحشی» با آن برخورد کردیم، در «بت» هم این خشونت پنهان‌تر است، اما همچنان شاهد این خشونت هستیم. فیلم عجیبی است «بت»؛ از چند جهت می‌توان روی آن دقیق شد و نکته‌هایی را در آن دید، اما با چند نفر که صحبت می‌کردم و تجربه‌های مشابهی بعد از دیدن فیلم داشتیم، در واقع به همین نکته اشاره کردند که در سراسر فیلم انگار از قصد و عمد فیلم ما را آزار می‌دهد و نکته‌هایی را می‌گوید و شاید زمان طولانی فیلم هم به همین دلیل و با این فکر انتخاب شده است. نکته خشونت زیاد، هم در «قاتل و وحشی» و هم «بت» دارد از این صحبت می‌کند که شکل دیگری به موضوعات نگاه می‌کنید. از این خشونت صحبت کنیم.

هر دو فیلم‌های نگرانی هستند. فیلم‌هایی هستند که تذکر جدی می‌دهند یا اعتراض جدی دارند. اینکه اشاره می‌کنید مخاطب را آزار می‌دهد، به هر حال تأثیر فیلم‌ها متفاوت است و تأثیرات مختلف را بسته به اینکه ما چقدر اهل فیلم‌دیدن و اهل تجربه‌های تازه باشیم و چقدر خودمان را در معرض این تجربه‌ها قرار می‌دهیم و اگر این‌طور باشد این تأثیرات را می‌شناسیم و به هر حال فیلمی است که هم معترض است و هم غمگین و نگران. امیدوار بودم با این فیلم رقتی در قلب تماشاگر ایجاد کنم یا مخاطب شماتتی هم بشود. این احوالات و اهداف و تکالیفی که برای این فیلم متصور بودم و هستم و تأثیری که اشاره می‌کنید، می‌توانست با تماشاگران بیشتری هم اتفاق بیفتد و همچنان من امیدوار هستم و معتقدم فیلم به مرور تماشاگران خودش را پیدا می‌کند. البته که به مرور سال‌ها تماشاگران آن به سراغش خواهند رفت. اما در همین دوره اکران هم اگر مخاطبان فیلم مطلع شوند از این رابطه سراغش می‌روند. اگر «قاتل و وحشی» اکران شده بود، حتما راحت‌تر به سراغ «بت» می‌آمدند.

به این اشاره کردید که «بت» سعی دارد به مخاطبش هشدار بدهد و او را به فکر وادار کند. به دوره‌ای اشاره کردید که شرایط تغییر کرده و شاید ما آدم‌های دیگری شده‌ایم. مهم‌ترین و بیشترین وظیفه‌ای که در ساختن «بت» فکر می‌کردید از سمت شما باید اتفاق بیفتد و مخاطب سینما را متوجه آن بکنید، چیست؟

اینکه به رحم در قلب تماشاگر نهیبی زده شود. به همدیگر رحم داشته باشیم و بیشترین تأثیرش برای من این بود که کمی از خشونت‌مان کم کنیم. مهم‌ترین هدفم این بود و البته نهیب‌زدن و ترساندن.

بعد از ساخت «قاتل و وحشی» ساخت این فیلم راحت بود؟ آیا با موانعی مواجه شدید؟ به هر حال چند سال جنگیدید که فیلم اکران و دیده شود.

پول دربیاوریم. قرار نیست که فیلم بسازیم و توقیف شود و بدهکاری فراوان داشته باشیم و دردسرهای بزرگ ایجاد شود. برای فیلم‌سازی سرمایه نیاز است و سرمایه‌گذارها احتیاط می‌کنند و مشاوران آنها تذکر می‌دهند که فیلم این فیلم‌ساز توقیف شده و ایجاد موقعیت بعدی برای فیلم‌سازی خیلی سخت‌تر می‌شود. چه‌بسا شاید اصلا نتوان آن را به وجود آورد. این چالش را داشتم. می‌دیدم که نمی‌توانم سرمایه‌گذارها را جذب کنم، حتی در پلتفرم. حتی وقتی سریالی نوشتم که به نظرم سریال جذاب و روشنی بود و بازیگران جالبی داشت، مثل لیلا حاتمی و هدیه تهرانی که بازیگران اصلی آن بودند، کار جالبی بود و نشد. دلیل اصلی‌اش هم «قاتل و وحشی» بود و همین احتیاط‌هایی که اشاره کردم. بزرگ‌ترین آسیبش سخت‌شدن تولید فیلم بعدی است و بالاخره این همه آسیب و فشار حتما تأثیر می‌گذارد. به هر حال حاصل تلاش و زحمت گروهی است که دیده نشده. وقتی می‌خواهم فیلمی مثل «قاتل و وحشی» بسازم، می‌دانم قرار نیست فیلم راحتی باشد. می‌دانم قرار نیست به راحتی اکران شود. می‌دانم به دل یک دردسر می‌روم به دلیل همین نامتعارف‌بودن فیلم. حالا با این توقیف و سخت‌گیری و لجاجت‌ها که به صورت بنیادی وجود دارد، فیلمی مثل «قاتل و وحشی» را متوقف می‌کنند. پس مسیر بنده را متوقف می‌کنند و مانع تأثیری که روی تماشاگر داشت، می‌شوند و کار فرهنگی و هنری که حتما مهم بود برای جامعه و سینما، سد می‌شود و این ناامیدکننده است و این سماجت و پافشاری هم روی این تصمیم عجیب است. اگرچه وقتی با مسئولان فرهنگی در دوره‌های مختلف صحبت می‌کنیم، همگی قانع شده‌اند. همه تأیید و امضا می‌کنند. روان‌شناس، جامعه‌شناس، روحانی، مجتهد و... و باز این پافشاری با این همه تغییر و تحول جامعه وجود دارد و حرف‌هایی شبیه اینکه فیلم مشکل شرعی دارد، این فیلم خودش محل تردید و بحث است. در جریان نظر چند مجتهد هستم که معتقدند مشکل شرعی ندارد و البته اگر مشکل شرع و پایبندی به این احکام وجود دارد، می‌توانند تغییر کنند در پویایی فقه. کمااینکه این اتفاق همیشه افتاده برای این اصول و با زمان و جامعه ما هم‌مسیر شود. از همان زاویه شرع هم حتما حق‌الناس تعبیر آشنای دیدنی است. حق من و حق گروه و حق سرمایه‌گذار ضایع شده است و چطور این حق به لحاظ شرعی اهمیت ندارد. بی‌عدالتی چطور برای شما اهمیت ندارد، ولی همچنان پافشاری بد و ناامیدکننده است. به هر حال فیلم «قاتل و وحشی» وضعیتی این شکلی دارد و فیلم عملا نابود شده و هنوز هم امیدوار و پیگیرم و آن را به نتیجه خواهم رساند و اکران خواهم کرد و این گامی است برای سینمای ایران و گامی است برای جامعه و قدمی به جلو است.

آخرین اتفاقی که در مورد «قاتل و وحشی» افتاد، سال گذشته در جشنواره فیلم فجر بود که قرار بود ما در بخش ویژه آن را ببینیم و بعد از آن دیگر در مورد فیلم صحبتی نشد.

اصلا متوجه نشدیم چه شد. هرکسی که مانع شده برایش متأسفم. کسانی که قبلا فیلم‌های خوب سینمای ایران را توقیف کردند و افتخار می‌کنند به کارشان و با سربلندی می‌گویند این کار را انجام دادیم، اینها هم افتخار خواهند کرد ولی اگر پنهان می‌کنید آن شب چه شده و پنهان می‌کنید مثل کسانی که قبلا فیلم‌ها را توقیف کردند اما گردن نمی‌گیرید کاری را که انجام دادید، حرف دیگری است. واقعیت این است که نفهمیدم آن شب چه شد ولی به هر حال می‌توانم حدس بزنم که ترس. تمام این سال‌ها قبل از «قاتل و وحشی» ما همیشه در نظامی بودیم که می‌گویند این فیلم باشد یا نباشد و فیلم را توقیف می‌کند. اغلب می‌شنویم که تحت فشار گروه دیگری هستند و به خاطر فشار گروه دیگری ما باید جلوی تو را بگیریم وگرنه نظر ما این نیست. آن شب قرار بود فیلم نمایش داده شود. حالا چه احتیاطی شد که فیلم نمایش داده نشد، نمی‌دانم. اما دوست دارم به این اشاره کنم که «قاتل و وحشی» به جای خود، بنده مفتخرم که فیلم «بت» را اکران کردم و فکر می‌کنم با وجود تمام مشکلات فیلم را به اکران رساندم و می‌توانم با جامعه حرف بزنم و فیلمی ساختم که عمیقا آدم‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به فکر وادار می‌کند و البته که فیلم نامتعافی است و قرار بود باشد و این انتخاب و روش من است و مدلی است که انتخاب کردم. این وسط به هر حال منتقدان می‌توانند کسانی باشند که این فاصله با تماشاگر را پر کنند و کسی تردیدی ندارد که این فیلم بدعت‌ها و تازگی‌هایی دارد و کسی هم تردید ندارد که این فیلم جنبه‌های فیلم‌سازی‌اش در سطح بالایی است و قطعا می‌توان این فاصله را پر کرد تا تماشاچیان این فیلم را ببینند و حتما در روز اول اکران فیلم، آن را ببینند.

آدم‌های اسم‌ورسم‌دار، با حرص حرف‌هایی بنویسند، تعجب می‌کنم؛ اینها آدم‌های بی‌مسئولیتی هستند که همان حرف‌های قدیمی همیشگی را تکرار می‌کنند. متوجه تغییرات نیستند و حرف‌های تکراری می‌زنند. متأسفم برای آنها. اما تعداد فراوانی از نویسندگان و اهل فیلم سعی کردند این فاصله را با تماشاگر کم کنند.

زمانی که خواستید «بت» را بسازید، فیلم‌نامه جرح‌وتعدیل‌های هم شد؟

نه، می‌دانستم مشکلی متوجه «بت» نخواهد بود. مشکل خاصی برای ساختش به لحاظ ممیزی و اکران نداشتم.

«بت» دو قهرمان ویژه دارد؛ لیلا و یحیی. در این مدت حتما این نکته را در یادداشت‌ها دیده‌اید که اشاره‌هایی می‌شود به فیلم‌هایی که از آنها در «بت» یاد کرده‌اید. اینکه به «تنگنا»، «کندو» یا «بایسیکل‌ران» اشاره کردید و در واقع شاید مابازای این اشاره‌ها را این‌گونه تفسیر کردند که شما قهرمان را به سمت انتخاب می‌برید و یک شکلی از یادآوری آن فیلم‌ها در «بت» اتفاق می‌افتد. درباره همین موضوع صحبت کنیم. دو قهرمان در این فیلم به ما نشان می‌دهید.

بله تعبیری که می‌فرمایید درست است. می‌توان تعابیر دیگری هم داشت. فیلم به این تعابیر راه می‌دهد و به آن فکر شده. ترجیح می‌دهم تماشاگر و خود شما این گره‌گشایی‌ها را در ارتباط با دنیای استعاری فیلم و تشبیهات فیلم انجام بدهید. به نظرم رابطه این فیلم با تماشاگر برقرار است با این فیلم‌ها و این دنیا.

این ناشی از علاقه‌مندی شما به این فیلم‌ها بوده؟

البته که بوده. به هر حال وجوهی دارد. شخصیت‌ها وجوهی دارند. مردهای تنهایی هستند و اینجا هم یحیای ما مرد تنهای موتورسواری است و قهرمان است و نسبت‌هایی با آن فیلم‌ها دارد. به اجتماعی‌بودن آنها و توصیف شخصیت محمدرضا فروتن در فیلم اشاره می‌شود و ارتباط جنبه‌های دیگر فیلم با این فیلم‌ها جالب است و اینکه دوست داشتم یادآوری کنم که سینمای ایران، سینمای پرافتخاری است و این هم بخشی از ماجرا بود که دوست داشتم به این فیلم‌ها ادای احترامی کنم، به‌خاطر کیفیت، تعهد، کار مؤثر و خلاقانه.

لیلا حاتمی باز در این فیلم ویژه است. اساسا بازیگران سینمای ایران در فیلم‌های شما شکل دیگری حضور پیدا کرده‌اند. بازی‌ای که شما از بازیگران می‌گیرید بسیار چشمگیر است و شکل دیگری از حضورشان مقابل دوربین شماست. برای لیلا حاتمی چندین بار این اتفاق افتاده و در این فیلم ابزار یک بازیگر را از او گرفتید و به شکل دیگری حضور دارد و از نظر منتقدان هم حضورش تحسین‌برانگیز است. از حضور دوباره او مقابل دوربین خودتان بگویید.

بله من نقش‌های ویژه‌ای را به خانم حاتمی سپرده‌ام؛ چهار نقش ویژه. ایشان هم چهار اجرای ویژه انجام دادند و به هر حال «بت»، «قاتل و وحشی» و «رگ خواب» با تصور حضور ایشان نوشته شد. بنابراین از قبل برای ایشان این نقش‌ها طراحی شد و بازی او فوق‌العاده است و زحمت زیادی برای نقش کشید و بازیگران دیگر هم همین‌طور. به بازی خوب اشاره کردید؛ به نظرم غیر از اینکه باید انتخاب درستی صورت بگیرد، عامل اصلی دیگر این است که باید خوب نوشته شود و اگر چنین حسنی در کارهای بنده هست و درخششی در بازیگران می‌بینید، لابد این است که درست انتخاب شده‌اند و شخصیت درست نوشته شده و اینکه در طول کار دکوپاژ، میزانسن و... مزاحم بازی بازیگر نشود و به بازی او کمک کند. اینها مواردی است که من لحاظ می‌کنم.

در این مدت درباره زمان فیلم خیلی صحبت شد و شما جنگیدید که این زمان در اکران حفظ شود. کمی در این‌باره صحبت کنیم؛ چراکه برخی به زمان‌بندی فیلم انتقاد داشتند.

اصلا مراسم فیلم‌دیدن این‌گونه است که در صندلی فرو برویم و در زمانی طولانی با فیلم ارتباط برقرار کنیم که این برای تماشاگر امروز کار سخت‌تری شده است. همه عادت کرده‌اند با گوشی چیزی ببینند و بی‌تاب هستند برای تأمل و توقف. شرایط خوبی نیست، آدم‌ها این روحیه را کمتر دارند. از اینجا بحث طولانی وسط می‌آید. ولی موضوع ایراد و حسن نیست. پخش‌کننده‌ها به این موضوع حساس هستند که هر چیزی که به آنها نشان می‌دهی، می‌گویند زمانش را کم کن. از سمت آنها می‌توان این حرف را شنید و مقاومتی از سمت من هست که زمان فیلم باید این باشد و می‌توانم درک کنم که پخش‌کننده می‌تواند سانس بیشتری بگذارد، ولی این را یک بحث مهم از زاویه یک منتقد نمی‌دانم.

خیلی از همکاران شما اعتقاد دارند در این زمانه نمی‌توان فیلم خوب ساخت. واقعا نمی‌شود فیلم خوب ساخت؟

نمی‌دانم می‌توان فیلم خوب ساخت و به فیلم خوب ساختن ادامه داد یا نه. بنده فیلم «بت» و «قاتل و وحشی» را ساختم که فیلم‌های خوبی هستند. یکی توقیف شده که دخلش آمده و «بت» به‌سختی به مسیرش ادامه می‌دهد و تبلیغاتی برای آگاه‌شدن مخاطب از اکران فیلم نیست. فیلم در بخش خصوصی تولید شده و هزینه تبلیغات هم بسیار گران است. پس همه چیز سخت پیش می‌رود و برای ساخت فیلم بعدی که سخت‌تر. می‌توان فیلم خوب ساخت ولی به سختی. اما آیا می‌توان فیلم خوب ساختن را ادامه داد؟ مطمئن نیستم. بنده امیدوار هستم بتوانم کارم را باکیفیت ادامه بدهم.

اگر الان بدون هیچ محدودیتی به لحاظ مجوز یا سرمایه می‌توانستید فیلم بسازید، چه موضوعی انتخاب می‌کردید؟

فکر می‌کنم یک فیلم به نام حلاج.

چرا؟

اجازه بدید بسازیم بعد در موردش حرف بزنیم.

خوشحالم که سراغ شبکه نمایش خانگی رفتید و بلافاصله بعد از «بت»، نوشتن «داش‌آکل» را شروع کردید. مدیوم شبکه نمایش خانگی را تجربه نکرده بودید.

با مجموعه شرایطی که هست، تصمیم گرفتم در شبکه نمایش خانگی کار کنم؛ زیرا هم پول آنجاست و رونق دارد و هم بنده احتیاج دارم زندگی کنم و حساب دخل‌وخرج این زندگی را بکنم. چراکه نه، اگر امکاناتی هست که می‌شود کار خوب ساخت، خیلی امیدوارم کار خوبی بسازم. پیش از این سعی داشتم مینی‌سریالی در ارتباط با فرهاد مهراد بسازم که همسرشان موافقت نکردند و من فکر کردم چه کاری انجام بدهم که به «داش‌آکل» رسیدم.

چرا ساخت فیلمی درباره فرهاد مهراد برای شما جذاب بود؟

زندگی، شخصیت، صدایش و هنرش برایم جذاب بود و دوست داشتم در موردش سریالی بسازم.

و الان «داش‌آکل» فکر می‌کنم انتخاب جسورانه‌ای است.

بله؛ مفاهیم فتوت و جوانمردی وسط می‌آید.

مسعود کیمیایی...

بله و حرف‌های مهمی است برای امروز و از این زاویه تأثیرگذاشتن.

«بت» را با مردم دیدید؟ اگر از فضایی که منتقدان پیرامون فیلم ایجاد کردند فاصله بگیریم، تجربه هم‌کلام‌شدن شما با مردم در مورد فیلم چطور بوده است؟

متأسفانه نه. اینکه شما گفتید حتما زود انجامش می‌دهم و با مردم فیلم را می‌بینم. البته شاهد هستم که فیلم کارش را انجام می‌دهد و حیاتش آغاز شده است و تأثیرش را می‌گذارد و رشد می‌کند. در معرض تماس‌ها با مردم بوده‌ام؛ به هر حال چیزی که در مورد فیلم می‌شنوم از یک تأثیر خاص صحبت می‌کنند. جدا از مسئله خوب و بد، اینکه خوش‌مان آمد یا نیامد، از تجربه متفاوتی صحبت می‌شود و «بت» فیلمی است که می‌تواند سر شما را گرم کند. هم سرگرم‌کننده باشد و هم به موضوع فکر کنید. به‌شدت توصیه می‌کنم به تمام تماشاگران و خواننده‌های روزنامه «شرق» که فیلم را ببینند؛ تنها، با هم، دسته‌جمعی و رها، با فیلم ارتباط برقرار کنید. تجربه خیلی خوبی خواهید داشت و بعد حتما راجع به آن با هم گفت‌وگو خواهید کرد. همه شما را دعوت می‌کنم به تماشای یک اثر محترم که به تماشاچیانش احترام می‌گذارد و یک اثر بدیع و جذاب است.

مطلبی را درباره فیلم «بت» خواندم که فیلم‌های شما را با هم مقایسه و جمع‌بندی کرده بود که شخصیت‌های اصلی فیلم‌های شما همگی از رنجی عبور کرده و رنجی را تجربه می‌کنند و در نهایت این آدم‌ها درونی تغییر می‌کنند. قبول دارید این شخصیت‌ها هرکدام به شکلی رنجی را تحمل می‌کنند و مخاطب این را عمیقا درک می‌کند.

همه ما رنج‌هایی کشیده‌ایم. رنج‌های بزرگی هم بوده و تحولات و تغییرات از پس رنج‌هاست. بله، گویا این نظر در مورد فیلم‌های من صادق است.

شما قرار است سرگرم نمایش خانگی شوید و فاصله شما با سینما بیشتر می‌شود؟

سریال را تا چند روز آینده کلید خواهیم زد و درگیر این کار خواهم بود، اما علاقه‌مندم که در سینما کار کنم و نگران سینمای ایران هستم و دوست دارم کار خوبی در این سینما اتفاق بیفتد. دوست دارم بعد از تجربه این سریال به سینما برگردم و امیدوارم تا آن زمان سینما خیلی از پا درنیامده باشد که نشود فیلم به‌دردبخوری ساخت. حتما بعد از این سریال به سراغ سینما می‌روم و ان‌شاءالله فیلم خوب دیگری خواهم ساخت.